

۱۴۵۷۷۲

دستنامهٔ نسخه‌شناسی

نسخه‌های به خط عربی

فرانسوا دروش

ترجمهٔ

سید محمدحسین مرعشی

تهران

۱۳۹۵



سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)

مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی

Déroche, François

سرشناسه: دروش، فرانسوا

عنوان و نام پدیدآور: دستنامه نسخه‌شناسی نسخه‌های به خط عربی / فرانسوا دروش؛ ترجمه سید محمدحسین مرعشی.

مشخصات نشر: تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: دوازده، ۵۰۴ ص.؛ مصور (بخشی رنگی).

فروست: «سمت»؛ ۱۹۷۵. علم اطلاعات و دانش‌شناسی؛ ۴۶.

شابک: ۶-۲۷۳-۰۲-۶۰۰-۹۷۸-۲۳۵۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Manuel de codicologie des manuscrits en écriture arabe. 2000.

یادداشت: واژه‌نامه.

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: نسخه‌های خطی عربی

موضوع: Manuscripts, Arab.

موضوع: کتیبه‌شناسی عربی

موضوع: Paleography, Arabic - History.

شناسه افزوده: مرعشی سید محمدحسین، ۱۳۴۰-، مترجم. Marashi, Mohammad Hossein.

شناسه افزوده: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و

توسعه علوم انسانی

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵-۴۵۰-۶۶۰ Z

رده‌بندی دیویی: ۰۱۱/۳۱

شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۸۷۵۱۸

سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)

مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی



Manuel de codicologie des manuscrits en écriture arabe. François Déroche, avec la collaboration de Annie Perrier. [et al]. Paris: Bibliothèque nationale de France, 2000.

دستنامه نسخه‌شناسی نسخه‌های به خط عربی

نویسنده: فرانسوا دروش

ترجمه سید محمدحسین مرعشی

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۵

تعداد: ۵۰۰

حروفچینی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سمت

قیمت: ۲۳۵۰۰۰ ریال. در این نوبت چاپ قیمت مذکور ثابت است و فروشندگان و عوامل

توزیع مجاز به تغییر آن نیستند.

نشانی ساختمان مرکزی: تهران، بزرگراه جلال آل احمد، غرب پل یادگار امام (ره)،

روبه‌روی پمپ گاز، کد پستی ۱۴۶۳۶، تلفن ۲-۴۴۲۴۶۲۵۰.

www.samt.ac.ir

info@samt.ac.ir

هر شخص حقیقی یا حقوقی که تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشر، نشر یا پخش یا عرضه یا تکثیر یا تجدید چاپ نماید، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

سخن «سمت»

یکی از هدف‌های مهم انقلاب فرهنگی، ایجاد دگرگونی اساسی در دروس علوم انسانی دانشگاه‌ها بوده است و این امر مستلزم بازنگری منابع درسی موجود و تدوین منابع مبنایی و علمی معتبر و مستند با در نظر گرفتن دیدگاه اسلامی در مبنایی و مسائل این علوم است.

ستاد انقلاب فرهنگی در این زمینه گام‌هایی برداشته بود، اما اهمیت موضوع اقتضا می‌کرد که سازمانی مخصوص این کار تأسیس شود و شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۶۳/۱۲/۷ تأسیس «سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها» را، که به اختصار «سمت» نامیده می‌شود، تصویب کرد.

براین، هدف سازمان این است که با استمداد از عنایت خداوند و همت و همکاری دانشمندان و استادان، به دلسوز، به مطالعات و تحقیقات لازم بپردازد و در رشته‌های مختلف علوم انسانی به تألیف و ترجمه منابع درسی اصلی، فرعی و جنبی اقدام کند.

دشواری چنین کاری بر دانشمندان و صاحب‌نظران پوشیده نیست و به همین جهت مرحله کمال مطلوب آن باید به تدریج و پس از انتقادهای و یادآوری‌های پیاپی ارباب نظر به‌دست آید. انتظار دارد که این نژاد جوان از این همیاری و راهنمایی دریغ نورزند و با پیشنهادهای اصلاحی خود، این سازمان را در اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران یاری دهند.

کتاب حاضر برای دانشجویان رشته مدیریت و سازماندهی نسخه‌های خطی در مقطع کارشناسی ارشد به عنوان منبع اصلی درس «سازماندهی» و «۱ و ۲» هر کدام به ارزش ۲ واحد ترجمه شده است. همچنین به عنوان منبع کمکی برای «روش» «آشنایی با نسخه‌های خطی و آثار کمیاب» در مقطع کارشناسی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی، «مبنایی نسخه‌شناسی و تصحیح متون»، «حفاظت و نگهداری نسخه‌های خطی»، «آشنایی با نسخه‌های خطی قرآنی» در مقطع کارشناسی ارشد رشته مدیریت و سازماندهی نسخه‌های خطی، «روش تحقیق در مطالعات آرشیوی» در مقطع کارشناسی ارشد رشته مطالعات آرشیوی، «نسخه‌های خطی و آثار کمیاب» در مقطع کارشناسی ارشد رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی گرایش مطالعات کتابخانه‌های عمومی قابل استفاده است. علاوه بر این، برای کلیه دانشجویان رشته‌های تاریخ، ادبیات فارسی و محققانی که در زمینه تصحیح نسخ خطی اسلامی فعالیت می‌کنند، قابل استفاده می‌باشد. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی، سایر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
نه	یادداشت مترجم
۱	مقدمه
۲۱	پاپيروس و ورق پوستی
۲۱	پاپيروس / قرطاس
۳۲	ورق پوستی / پارشمن
۵۳	بوم کاغذ
۵۵	کاغذهای بدون ته نقش سده های میانه
۶۳	کاغذهای ته نقش دار
۶۷	کاغذهای مخصوص
۷۲	کُرَاسه های نسخه های خطی
۷۳	ملاحظات در باره کُرَاسه
۸۰	کُرَاسه در نسخه های خطی پوستی
۹۳	کُرَاسه های مختلط
۹۸	کُرَاسه های نسخه های خطی کاغذی
۱۰۸	روش های نشان دادن ترتیب برگ ها
۱۲۴	ابزار و وسایل
۱۲۴	ابزار کار کاتبان، نقاشان و مذهبان
۱۳۵	مرکب های مشکی

۱۴۳	مرکب‌های رنگی
۱۶۷	رنگینه‌ها در نسخه‌های مغربی (سده ششم تا نهم هجری): اصول تشخیص و مقایسه
۱۹۹	سطراندازی و صفحه‌آرایی
۲۰۱	سطراندازی
۲۱۱	صفحه‌آرایی
۲۳۱	هنروران نسخه‌پرداز
۲۳۱	هویت نسخه‌پردازان
۲۳۹	مکان‌ها، کتابت
۲۴۸	روال‌نار
۲۵۶	نگارگران و هیب‌کاران
۲۵۸	جلدسازان و مسلمان
۲۶۰	خطوط
۲۶۰	کهن خط‌شناسی، هدف‌ها و روش
۲۶۶	خطوط کتابت عربی: ملاحظات
۲۷۳	آینده پژوهش
۲۸۲	پی‌افزود: اعراب‌گذاری و نشانه‌های اِعیام
۲۹۰	کتاب‌آرایی
۲۹۰	بررسی تزینات: اهداف و ابزار
۲۹۴	نسخه‌های خطی و هنرهای تزینی
۳۰۰	تزینات نسخه
۳۱۷	فهرستگان
۳۲۰	برگ‌های تزین شده
۳۲۳	نگارگری نسخه‌های خطی
۳۲۶	جلد و جلدسازی
۳۲۸	مرور کلی

۳۳۲

کارمایه‌ها و روش‌ها

۳۶۷

انواع جلد و آرایه آنها

۳۹۴

تاریخ نسخه

۳۹۴

صفحه عنوان

۴۰۲

انجامه و تاریخ گذاری

۴۲۰

منابعی برای تاریخ نسخه

۴۳۸

تاریخچه مخازن

۴۳۸

نسخه شناسی و تاریخچه مخازن

۴۵۴

فهرست‌ها و نسخه‌های خطی

۴۶۳

منابع و مآخذ

۴۸۴

واژه‌نامه

۴۹۵

نمایه

یادداشت مترجم

اصطلاح نسخه‌شناسی یا *codicologie* از پیوستن دو واژه *codex* به معنی نسخه و مصحف (مُجَلَّد متشکل از گُرَاسه‌ها) و *logos* به معنی دانش و شناخت ساخته شده است. این دانش را ابتدا به مطالعه تاریخ مخازن کتابخانه‌ها و مجموعه‌ها می‌پرداخت، اما بعدها به‌طور خاص به مطالعه در عناصر تشکیل‌دهنده یک نسخه خطی (فارغ از متن موضوع کتاب) اختصاص یافت. بدین ترتیب، اکنون موضوع این دانش عبارت است از: درج‌رشتار (کاغذ، پوست، پایپروس و غیره)؛ ابزار کتابت (قلم، مرکب و غیره)؛ کراسه‌ها (تعداد و ترکیب آنها)؛ صفحه‌آرایی (سطراندازی، آرایش و تذهیب نسخه) و صحنی و جلدسازی.

نسخه‌شناسی همچنین به پژوهش دربارهٔ موضوعاتی می‌پردازد که به متن مؤلف مربوط نمی‌شود. چیزهایی مانند انجام «دربردارنده اسم کاتب، مکان و تاریخ استنساخ و مطالب مربوط به کاتب»؛ صاحبان نسخه؛ «فارش‌دهنده»؛ مؤلف اثر؛ نشانه‌های وقف؛ یادداشت‌ها، اجازات و تصدیق‌ها (مانند تصدیق و قرائت و مقابله)؛ منشأ و خاستگاه؛ سیروسفر و مکان‌های نگهداری نسخه؛ روش‌های کتابت؛ کاغذگری و کاغذخانه‌ها؛ مُدَهَبان و جلدسازان؛ تأثیر جغرافیا بر دوره‌های مختلف بر تولید نسخه؛ و نیز مطالعه تاریخ و سیر تولید و تصویربرداری از نسخه.

کتاب حاضر که دارای یک مقدمه و یازده فصل است، پژوهشی است در عناصر اصلی نسخه‌های نگاشته شده به خط عربی. نسخه‌شناسی متون اسلامی، آن‌گونه که در این کتاب آمده، گرایشی در دانش نسخه‌شناسی است که پس از نسخه‌شناسی متون یونانی و لاتینی پدید آمده و به زعم برخی پژوهشگران، سال

۱۹۸۶ میلادی، سال آغاز این رسته از مطالعات - یعنی نسخه‌شناسی دست‌نوشته‌های به خط عربی - بوده است.

در این سال، اولین همایش نسخه‌شناسی دست‌نویس‌های خاورمیانه به دبیری فرانسوا دروش، نسخه‌شناس معروف فرانسوی و مدیر پژوهش‌های École pratique des hautes études، در استانبول برگزار شد. او به هنگام ارائه مقاله خود در دومین اجلاس بنیاد میراث اسلامی الفرقان (دسامبر ۱۹۹۳ میلادی)، خبر از نگارش کتابی در زمینه نسخه‌شناسی داد؛ خبری که با توجه به صلاحیت و مقبولیت نویسنده، مورد توجه محافل نسخه‌شناسی جهان قرار گرفت تا اینکه کتاب *Manuel de codicologie des manuscrits en écriture arabe* (دستنامه نسخه‌شناسی نسخه‌های به خط عربی) در سال ۲۰۰۰ میلادی به زبان فرانسه انتشار یافت.

این کتاب با همکاری فرانسوا دروش و گروهی از متخصصان نسخه‌های شرقی - به‌ویژه برخی از پژوهشگران کتابخانه بریتانیا - نوشته شده، در سال ۲۰۰۵، به همت او و بنیاد الفرقان، به زبان‌های انگلیسی (*Islamic Codicology*) و عربی (*المدخل الى علم الكتاب المخطوط بالحرف العربي*) نیز ترجمه و منتشر شد.

در ایران، اندکی پس از انتشار کتاب، نشریه نامه بهارستان به سردبیری نادر مطلبی کاشانی با انتشار مقاله‌ای به معرفی آن پرداخت. همچنین ترجمه برخی مقالات آن نیز در این نشریه به چاپ رسید که متن‌ترین آنها به قلم دکتر آذین حسین‌زاده است.

این اثر، پس از گذشت ۱۶ سال از انتشار، همچنان تنها متن آموزشی نسخه‌شناسی است که در کشورهای مختلف تدریس می‌شود. از این رو، شایسته بود ترجمه‌ای از آن به زبان فارسی نیز برای رفع نیاز دانشوران و علاقه‌مندان این حوزه از دانش فراهم آید.

با توجه به اهمیت اثر و آموزشی بودن آن، آقای دکتر مهدی احمدی، به نمایندگی از سازمان سمت، ابتدا متن انگلیسی کتاب را برای ترجمه به فارسی پیشنهاد دادند، اما در نهایت و پس از ملاحظات قرار شد ترجمه فارسی بر اساس متن

اصلی کتاب (به زبان فرانسوی) انجام گیرد.

با اینکه مترجمان انگلیسی و عربی کتاب از پژوهشگران صاحب‌نام نسخه‌شناسی اسلامی به شمار می‌آیند و چندین سال برای ترجمه این اثر وقت صرف کرده‌اند، عیسی ویلی در شناسنامه ترجمه انگلیسی کتاب «ویراستار» شناخته شده و بر کار استاد ایمن فؤاد سید نیز، نقدهایی وارد شده است که برخی از آنها در فضای مجازی در دسترس است.

به جز مشکلات عام ترجمه از یک زبان به زبان دیگر، از دشواری‌های ترجمه این اثر پرداختن نویسندگان مقاله‌های مختلف آن به جنبه‌های مختلف نسخه‌شناسی است که هر یک در آن تخصص کافی و وافی داشته‌اند و طبیعتاً مترجم نمی‌توانسته از همه آنها به خوبی نویسنده‌گانشان آگاه باشد. دشواری دیگر این ترجمه نیاز آن به بهره‌گیری از انبوهی از واژگان فنی، هنری و نسخه‌شناسی و گاه معادل‌سازی برای آنها بود. یافتن اصطلاحات اصلی فارسی در برابر واژه‌های فنی فرانسوی، چندین برابر مدت ترجمه کتاب زمان نیاز داشت که اگر راهنمایی‌های استادان و پژوهشگران حوزه‌های مختلف نسخه‌شناسی نبود، ترجمه این کتاب بیش از اینها به طول می‌انجامید. از همه دانشورانی که در این راه یاری رساندند فراوان سپاسگزارم. در انتها وظیفه خود می‌دانم از روانشاد استاد ابرج افشار با احترام یاد کنم که آشنایی‌شان با زبان فرانسه و نمونه‌های پیشنهادی‌شان با ابرهای دقیق فارسی را آسان‌تر ساخت. نیز، سپاسگزار لطف دوست عزیز، نادر مطالی‌کاشانی که مشوق نگارنده در ترجمه متون نسخه‌شناسی بودند و استاد گرامی‌ای به حساب می‌آید. مایل هروی هستم که با یاری صمیمانه و صبورانه، مشکل‌گشای پرسش‌های منی پاسخ و دشواری‌های زمان‌بر در ترجمه این کتاب بودند.

قدردان محبت‌ها و شکیبایی‌های بسیار همسر و فرزندم در طول این سال‌هایم و وامدار مهربانی‌های دوست دانشمند دکتر بهروز ایمانی که در تغییر برنامه‌های بنیادین مدیران که دیگر بدل به رویه‌ای جانکاه در عرصه دانش و فرهنگ شده است، با حمایت‌ها و دلگرمی‌هایش به ادامه راه امید می‌بخشید. از جناب آقای دکتر

عبدالرضا نوروزی چاکلی، جناب آقای دکتر حسین هاجری، سرکار خانم دکتر شهره روغنی و سرکار خانم لیلا شرف نیز که تأخیر چندساله در تحویل ترجمه را با حسن خلق، شکیبایی کردند تشکر می‌کنم.

ترجمه حاضر، بی‌شک، خالی از سهو و خطا نیست و همه آنها متوجه مترجم است. امید است دانشمندان و پژوهشگران و نسخه‌شناسان گرامی، در رفع این نقایص مترجم را یاری رسانند تا در چاپ‌های بعدی، ترجمه‌ای دقیق‌تر و صحیح‌تر در اختیار خوانندگان محترم قرار گیرد.

سید محمدحسین مرعشی

مقدمه

واژه نسخه خطی / *manuscript* که برای نخستین بار، در سال ۱۵۹۴ (در زبان فرانسه)، به کار رفته است، نشان می‌دهد که اختراع چاپ، تا اندازه‌ای با به وجود آمدن این واژه، مرتبط است. زیرا پس از این اختراع، کتاب‌هایی پدید آمدند که دیگر با دست نسخه‌برداری نمی‌شدند. از آنجا که شیوه سنتی تولید کتاب، اندک اندک در برابر رقیبی قدرتمند، از میان رفت، واژه نو «نسخه خطی» یا کتاب دست‌نویس، وارد زبان شد که موضوع کتاب حاضر را تشکیل می‌دهد.

البته، در زمینه‌های دیگر، از اسناد اداری تا مقالات ادبی - دست‌آدمی، همچنان، به طور جدی قلم را به کار می‌گرفت و تا مدت‌ها پس از سده شانزدهم، آن را زمین نگذاشت. اما این موضوع، به کتاب مربوط نمی‌شود، اسنادی را که در حوزه‌های مربوط به پاپیروس‌شناسی، سکه‌شناسی و مانند اینها قرار می‌گیرند، نیز دربر می‌گیرد. مواردی مانند کتیبه‌ها از محدوده تحقیق ما در این گزارش خارج‌اند، هرچند برخی از آنها حاوی متونی هستند که در نسخه‌های خطی نیز آمده است، و یا با ابزارهایی شبیه آنچه کاتبان به کار می‌بردند نوشته شده‌اند. به عنوان مثال، مجموعه کتاب‌هایی که در سده‌های متوالی، با دست، نسخه‌برداری شده‌اند و به عبارت دیگر، در صورت خاصی از دست‌نویس که «مصحف / *codex*» نام دارد، موضوع رشته نسخه‌شناسی / *codicologie* است.

اما نسخه‌شناسی به چه معنایی است؟ نسخه‌شناسی اصطلاحی متأخر است.^۱

۱. در مورد شرایط ورود این کلمه به زبان فرانسه، خوانندگان کتاب ر.ک:

J. Lemaire, *Introduction*, p. 1, n. 1 et 2.

تعریف نزدیک به ریشه‌شناسی آن (واژه‌های *codex* لاتینی و *λόγος* یونانی)، می‌تواند چنین باشد: «بررسی مُصَحَّف یا دانش مُصَحَّف». اما این تعریف بی‌تردید، اندکی کوتاه است و نیازمند توضیحات تکمیلی است. دانشی که به نام نسخه‌شناسی خوانده می‌شود، از برخی جهات، مشروعیت خود را از طریقی که در غرب، به طور سنتی، برای معرفی کتاب‌هایشان استفاده می‌کردند، به دست آورده است. زبان لاتین و پس از آن، زبان فرانسه، برخلاف زبان عربی که بر جنبه نوشتاری مکتوب تأکید دارد (در کلمه‌هایی مانند «کتاب»، «مخطوطه»)، از جنبه ریشه‌شناختی، پیش از هر چیز به «مالح کار توجه دارند: «livre»، «codex» و «volume»، که به ترتیب، به زنده چوب [= قتی از تنه درخت که میان پوست و مرکز ساقه قرار دارد]، لوحه چوبی، یا طومار، پیروس گفته می‌شود.

بنابراین نسخه‌شناسی در وهله نخست، در پی شناخت جسم مُصَحَّف، یعنی کتاب دست‌نویس است که از کار هم قرار گرفتن تعدادی گُرَاسه تشکیل می‌شود. به عبارت ساده‌تر، ساختاری که مجموعه نسخه‌شناسی را تبیین می‌کند همان ساختار کتاب‌هایی است که در این روزگاری از آنها استفاده می‌کنیم، هرچند چاپ، جای قلم‌کاتب را گرفته است.

هر کتابی نسخه خطی نیست

پیش از ادامه بحث، لازم است یادآوری کنیم که کتاب‌ها، به شوه‌های مختلف ساخته می‌شوند. لُفَّاف / *volumen* یا طومار، برای روزگاری دراز، رایج‌ترین نوع کتاب در حاشیه دریای مدیترانه بود.^۱ با رواج مُصَحَّف، شکل‌های دیگر کتاب از میان رفتند. مسلم است که دست‌نویس به شکل طومار، از لحاظ کمی، در جهان

۱. برای اطلاع از تاریخ کتاب خطی و به ویژه دوران پیدایش کتاب به صورت مصحف، منابع بسیاری وجود دارد برای نمونه ر. ک:

C. H. Roberts et T. C. Skeat, *The birth of the codex*; A. Blanchard éd., *Les débuts du codex* [Bibliologia, 9], Turnhout, 1989.

عربی - اسلامی، چندان مطرح نبوده است.^۱ اوایل ظهور اسلام، در سرزمین‌های پیرامون مدیترانه و مجاور آن، شیوه مُصحَف جای لَقَاف را گرفت. ترکیب لَقَاف، تنها در تورات‌های طوماری، در مراسم آیینی جماعت‌های یهود، به صورت میراث باقی مانده بود؛ و بدون شک، پیامبر اسلام و اصحابش با این شیوه کتاب‌پردازی آشنا بوده‌اند،^۲ اما هنگامی که ناگزیر شدند متن وحی را در شکلی از کتاب جای دهند، شیوه مُصحَف را انتخاب کردند که در آن دوران، بسیار رایج بود.

لَقَاف و طومار یهودی

لَقَاف (تصویر ۱) که برگرفته از نام آن عمود قرار گرفتن سطور متن بر محور باز شدن طومار است، به صورتی دست‌نویس متوالی نوشته‌ها، در پی یکدیگر قرار گیرند، ظاهراً، از جانب کاتبان مسلمان هرگز مورد استفاده قرار نگرفته است. تنها دست‌نویس‌های اسلامی طوماری شکل که از آنها اطلاعی در دست است، از مقوله طومارهای عمودی (rotulus) هستند (تصویر ۲). در این شیوه متن با محور طومار موازی است.^۳ البته، از جنبه خوشنویسی، به ویژه، در مورد نسخ‌های قرآنی، دارای تنوع‌اند، اما این استثنای اندک و بسیار غیر معمول‌اند. در اینجا، برای ختم این کلام کوتاه، به شیوه خاص اندونزیایی اشاره می‌کنیم که در این روش، نوارهای بلند و باریک بر یک خرما که روی هر یک از آنها تنها یک سطر از متن نوشته می‌شود، از آشپزی یکدیگر دوخته

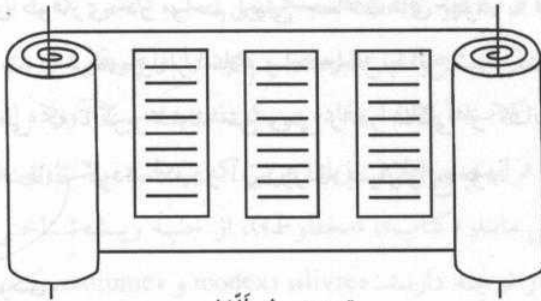
۱. ر.ک: طلسم‌ها و غیره. در عین حال در رساله عبدالعسیح بن اسحق کندی آمده است که مسلمانان صدر اسلام، پیش از اقدام عثمان، متن قرآن را بر روی برگ و طومار، به صورت طومارهای یهودی حفظ می‌کردند. ر.ک:

P. Casanova, *Mohammed et la fin du monde. Étude critique sur l'islam primitif*, Paris, 1911, p. 121; G. Troupeau, s.v. «al-Kindi», *EF*², V, p. 123-124.

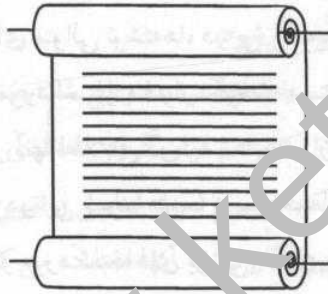
۲. قرآن از واژه «توراة» در چند آیه استفاده کرده است (س ۳، ۴۸، ۵۰، ۶۵، ۹۳؛ س ۵، ۴۳، ۴۴، ۴۶، ۶۶، ۶۸، ۱۱۰؛ س ۷، ۱۵۷؛ س ۹، ۱۱۱؛ س ۴۸، ۲۹؛ س ۶۱، ۶؛ س ۶۲، ۵) که نشان‌دهنده آشنا بودن این واژه برای مخاطبان پیامبر است.

3. S. Ory, «Un nouveau type de mushaf. Inventaire des corans en rouleaux de provenance damasquine, conservés à Istanbul», *REI* 33, 1965, p. 87-149.

می‌شوند. قابی چوبی یا فلزی، از دو سو، دو استوانه این نوع دست‌نویس‌ها را نگاه می‌دارد (دست‌نویس جا‌کار تا 43 Vt, Perpustakaan Nasional).^۱



تصویر ۱ لُفّاف



تصویر ۲ طوابع‌ردی

مِرقَع

برخی از نسخه‌های خطی ظاهری شبیه مُصَحَف دارند، اما ساختار آنها متفاوت است: در این گونه نسخه‌ها گُرّاسه‌ای وجود ندارد. کسانی که بر ربه خوشنویسی یا نگارگری کار می‌کنند، قطعاً به مجموعه‌های مرقع برخورد خواهند که شکل آکاردئونی داشته‌اند.^۲

این کتاب‌ها از ورقه‌های مقوایی با لولاهای نرم پارچه‌ای متصل به هم که

۱. از آقای ویتکام سپاسگزاریم که توجه ما را به این نسخه جلب کرد.

۲. برای تصویرها ر.ک:

روی آنها نگاره‌ها و قطعات خوشنویسی‌ها چسبانده شده بود، ساخته می‌شد. آثاری که یک مجموعه‌دار آنها را جمع آوری کرده بود. این مجموعه‌ها، نسخه‌های خاصی‌اند که فراهم آمدن آنها حاصل کار مجموعه‌داری است که قطعات را بر حسب علاقه خود، از منابع مختلف فراهم آورده است. شکل خاص دیگر را می‌توان در برخی نسخه‌های آفریقایی جنوب صحرا دید که در آنها اوراقی پراکنده، در یک مجلد گردآوری شده‌اند.^۱

تک‌برگی‌ها

نسخه‌های تک‌برگی *in-plano*، نسخه‌هایی هستند که هر برگ آنها، مطابق یک ورق،^۲ از ماده سور استفا، است. در جهان اسلام، این روش کتاب‌پردازی، ظاهراً در اعصار قدیم شناخته شده بوده است: نمونه‌های نادر برجای مانده، روی ورق پوستی نوشته شده‌اند و اما آن چگونگی تهیه شدن آن را به سادگی ممکن می‌سازد. متأسفانه هیچ‌یک از آنها با جلد اصلی خود به روزگار ما نرسیده است و لذا نمی‌توان فهمید که در اصل، برگ‌ها چگونه کنار هم قرار می‌گرفته‌اند. نسخه BNF arabe، 324 پاریس که می‌توان تاریخ کتابت آن نیمه دوم سده دوم هجری دانست، نمونه‌ای از این گونه به شمار می‌رود.^۳ بررسی قدمای این نسخه نشان می‌دهد که

۱. ر. ک: فصل کراسه‌های نسخه‌های خطی و نیز:

MUNICH 1982, n. 140, fig. 24 (ms. Munich, BSB Cod. arab. 2641, du XIX^e s.).

۲. بدین ترتیب برخلاف آنچه معمولاً رسم بوده در اینجا تاخوردگی وجود ندارد.

۳. منظور بخشی از نسخه است که میان چندین کلکسیون پراکنده شده است: در میان برگ‌هایی

که در پاریس نگهداری می‌شود ر. ک:

E. Tisserant, *Specimina codicum orientaliū*, p. xxxii, pl. 42; R. Blachère, *Introduction au Caran*, 2^e éd., Paris, 1959, p. 96, 99, 100; G. Bergsträsser et O. Pretzl, «Die Geschichte des Korantexts», dans *GdQ*, t. III, Leipzig, 1938, p. 254; F. Déroche, *Cat.* I/1, p. 75-77.

برگ‌های دیگر در کلکسیون‌های دیگر هستند:

Le Caire, Dār al-kutub (cf. B. Moritz, *Ar. Pal.*, pl. 1-12; A. N. Shebunin, «Kuficheskiĭ Koran Khedivskoj Biblioteki v Kaïre», *Zapiski Vostochnago Otdeleniia Imperatorskago russkago arkheologicheskago obshchestva* 14, 1902, p. 120-125) et Gotha. Forschungsbibliothek Ms. Orient. A. 462 (cf. J. H. Möller, *Paläographische Beiträge aus den herzoglichen Sammlungen in Gotha*, 1. Heft, Erfurt, 1844, pl. XIV; H. C. von Bothmer, *GOTHA* 1997, p. 105-107).

در بیشتر برگ‌های آن، طرف لش به عنوان صفحه فرد مورد استفاده قرار می‌گرفته است.^۱ دو دسته از برگ‌های آن - برگ‌های ۱۸ تا ۲۷ و ۳۰ تا ۳۷ - حاوی یک متن پیوسته هستند، یک دسته دارای ده برگ و دسته دیگر دارای هشت ورق است. همان‌گونه که گفته شد، طرف لش برگ‌ها، طرف روی برگ‌ها هستند، به استثنای برگ ۲۳ که برعکس است. می‌توان تصور کرد که این برگ‌ها بازمانده کراسه‌های شانزده یا بیست‌برگی هستند، اما توضیحی دیگر نیز وجود دارد که از نظر ما مقدم است. از نتیجه بررسی ۱۲۲ برگ از یک متن قرآنی که در دست‌نویس‌های استانبول، TIEM 51، 52 نگهداری می‌شوند و خط آنها شبیه خط پاره‌نسخه‌های پاریس [کتابخانه ملی فرانسه] است، می‌توان ادامه متوالی طرف لش، به عنوان روی برگ‌ها را اثبات کرد.^۲ هر دوی این موارد [قرآن استانبول و پاره‌نسخه‌های پاریس]، نسخه‌های تک‌برگ‌اند که هر یک از برگ‌های آنها، مطابق با یک قطعه پوست کامل است: از این رو، تاخوردگی وجود ندارد، هر چند [در این موارد] کراسه، بنیان

۱. درباره طرف لش پوست، ر.ک: فصلا، پاریس و چرم.

۲. نسخه‌های دیگری را می‌توان در این گروه قرار داد. به غیر از نسخه‌های

Istanbul, TIEM 51 et 52 et Paris, BNF n° 24 (voir la bibliographie en n. 10).

قرآنی در مسجد سیدنا حسین و قرآن معروف قرآن عثمان در تاشکند را می‌توان از این گروه دانست. هر چند داوری در مورد قرآن مسجد سیدنا حسین براساس عکس‌های آن دشوار است. اندازه آن ۷۰×۶۰ cm است. ر.ک:

F. Neema, «Restaurado, el Corán más antiguo», *Excelsior*, Mexico, D. F., suppl. du dimanche 25/07/199.

المُتَجَدِّ، دراسات فی تاریخ الخط العربی منذ بدایه الی نهایه العسیر المجلد ۵۳ و ۵۴. در مورد نسخه تاشکند ر.ک:

A. N. Shebunin, «Kuficheskiy Koran Imperatorskoj Sankt-Petersburgskoj publicnojj biblioteki», *Zapiski Vostochnago Otdelenija imperatorskago russkago arkheologicheskago obshchestva*, 6, 1891, p. 75-81; S. al-Munaggid, *op. cit.*, p. 50-52; E. Rezvan, «The Qur'an and its world: VI. Emergence of the canon: the struggle for uniformity», *Manuscripta orientalia*, 4/2, 1998, p. 47, n. 11 (bibliographie de publications en russe): à comparer avec des feuillets proposés à la vente à Londres (cf. Christie's, vente des 20 et 22 octobre 1992, lots 225 et 225 A; vente des 19 et 21 octobre 1993, lots 29 et 30).

به نوشته آر. رید / R. Reed. اندازه این نسخه‌ها احتمالاً مطابق با اندازه‌های چرمی است که از پوست بز تهیه شده است

(Ancient skins, parchments and leathers, p. 130).

کتاب قرار نمی‌گیرد و برگ‌ها، همه، به یک صورت جای گرفته‌اند. به عبارت دیگر، صفحه روی همه برگ‌ها، طرف‌لش و صفحه پشت آنها، طرف رخ پوست هستند. حالت این دست‌نویس‌ها - که مرمت‌های متعدد آنها بدیهی می‌نماید - در این است که نمی‌توان دریافت برگ‌ها، در ابتدا، چگونه کنار هم قرار داشته‌اند، آیا [صحافی] آنها دوخت میله‌ای بوده است^۱ یا روی یک باریکه چرم، سوار می‌شده‌اند؟ در هر صورت، این پرسش‌ها بی‌پاسخ می‌ماند. دست‌نوشته صنعا (دارالمخطوطات ۲۰-۳۳.۱) نسخه‌ای است که احتمالاً به همین شیوه ساخته شده است، اما مشخص نیست که برگ‌های آن در یک جهت قرار داشته باشد.^۲ امروزه، در این زمینه، هیچ اطلاع دقیقی وجود ندارد. آیا روش یادشده، برای دست‌نوشته‌های بر روی کاغذ نیز به کار می‌رفته است؟ احتمالاً برخی قرآن‌های خطی قطع بسیار بزرگ، مانند قرآن بایسنقری که اندازه هر برگ آن، در وضعیت کنونی، ۱۷۷×۱۰۰ سانتیمتر است، به همین صورت تکثیر می‌شده‌اند.^۳

گسترش اسلام، سبب شد تا فاحار عرب، خیلی زود با تمدن‌های دیگر که در آنها، کتاب‌سازی راه‌های متفاوتی پیموده بود، ارتباط پیدا کنند. رویارویی مسلمانان با امپراتوری چین، در نبرد طلس / Tals (۱۳۳ ق) نتایج بسیار مشهودی در زمینه مورد بحث ما داشت: با اسارت صنعتگران کاغذگر، کاتبان مسلمان، اندک اندک، کاغذ را برای نسخه‌برداری نسخه‌ها پذیرفتند.^۴ در مقابل، صورت چینی کتاب، در میان مسلمانان، اقبالی نیافت. روابط با شبه قاره هند نیز، در سرنوشت کتاب عربی - اسلامی نداشت: کاربرد آل / ôles (تصویر ۳) که یکی از ویژگی‌های شیوه نسخه‌پردازی بومی به حساب آمد، و در جهان اسلام، نوارهای برگ خرم، تنها در موارد خاص، مانند موردی که در سطور پیشین به آن اشاره شد، کاربرد داشت.

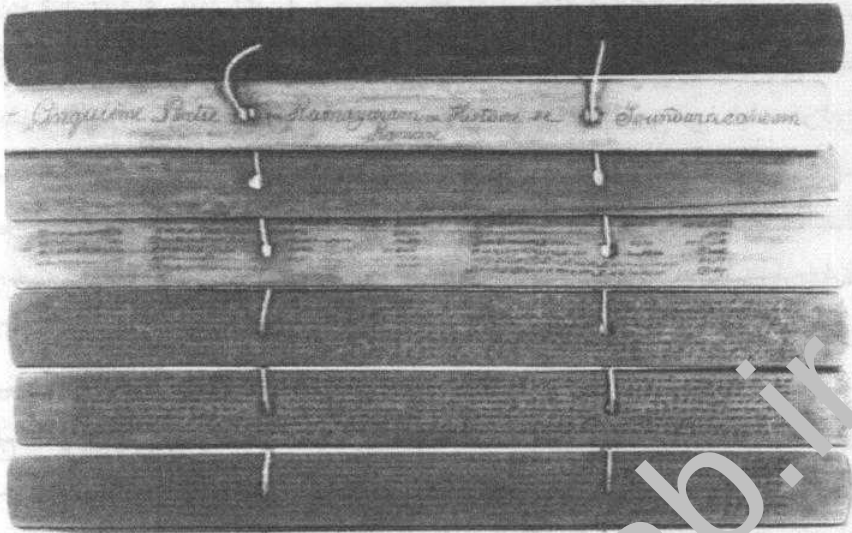
۱. به معنی سوراخ کردن یک دسته کاغذ از حاشیه نزدیک عطف

cf. D. Muzerelle, *Vocabulaire*, p. 179.

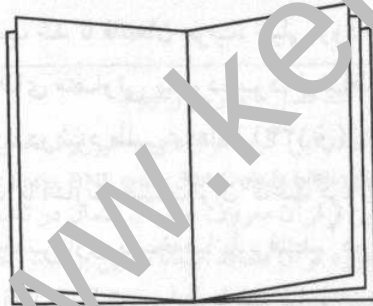
2. U. Dreiholz, «Der Fund von Sanaa. Frühislamische Handschriften auf Pergament», dans P. Rück ed., *Pergament, Geschichte-Struktur-Restaurierung-Herstellung*, [Historische Hilfswissenschaften, 2], Sigmaringen, 1991, p. 301, n. 9.

3. D. James, *After Timur, Qur'ans of the 15th and 16th centuries*, p. 18-23.

۴. ر.ک: فصل بوم کاغذ.



نصیر ۳ نسخه هندی (آل). Paris, BNF Indien 283



تصویر ۴ مصحف

جایگاه نسخه‌شناسی در مطالعه نسخه‌های خطی

بدین قرار، توجه نسخه‌شناس، بیشتر، معطوف به مصحف/codex (تصویر ۴) می‌شود. آن گونه که پیش از این دریافتیم این توجه به نسخه‌شناسی سابقه کهن ندارد و از رشته‌های جدید است. در واقع، در قرن بیستم بود که اهمیت کتاب و مخصوصاً تاریخ آن آشکار گردید. در واقع تاریخ کتاب، چنانکه از تحقیقات انجام گرفته برمی‌آید، از تاریخ متن جدا نیست. زیرا بوم آن صورت چاپی یا دست‌نویس است.

تاریخ کتاب نه تنها با تاریخ متن اشتباه نمی شود، بلکه امکان می دهد تاریخ دوره ای که کتاب در آن تولید شده است، روشن شود.

اهداف نسخه شناسی

نسخه شناسی، برای دستیابی به یک طرح برنامه دار، باید در دو جهت توسعه یابد. نخست باید تا حد ممکن به دقت مجموع فنونی را که برای پدید آمدن نسخه خطی به کار رفته اند، شناسایی و تجزیه و تحلیل کند. در این زمینه دستاورد روش های آزمایشگاهی امکان می دهد تا پرسش هایی که کالبدشکافی نسخه قادر به حل آنها نیست، پاسخ داده شود، پرسش هایی مانند ترکیب رنگ ها یا شناسایی الیاف یک کاغذ.^۱

نسخه شناس بدون بهره گیری از ابزارهای اندازه گیری نمی تواند تعداد کافی داده های لازم برای حقه و ر را فراهم کند. در این میان شکیبایی و کنجکاوی، ارزشمندترین دستیاران او هستند. شاید کتاب حاضر نیز که در درجه اول به همین منظور تدوین شده است، او را یاری نماید، چرا که هدف از تألیف آن، بازیابی خواننده به عناصری است که به او امکان بازیابی روش هایی را می دهد که هنرمندان نسخه پرداز مورد استفاده قرار می دادند.

اما این تجزیه و تحلیل به خودی خود هدف نهایی نیست، بلکه باید با کوشش در جهت سالیابی و حتی تعیین فنون مختلف همراه باشد. بدین ترتیب، هر گونه کار در این زمینه، اساساً نیازمند ایجاد مجموعه هایی مرتبط از اسنادی است که یکدیگر را تبیین کنند. برخی از این شواهد دارای تاریخ و گاه دارای نشان از نشأ خود هستند؛ نقش آنها در پیشرفت مقایسه هایی که نسخه شناس بدان مبادرت می ورزد

۱. گردهمایی فنون آزمایشگاهی در خدمت مطالعات نسخه شناسی که چندی پیش در مرکز ملی پژوهش های فرانسه (colloques internationaux du CNRS, 548) در پاریس برگزار شد دورنمایی از این امکانات به دست داد. در گزارش های این گردهمایی دورنمای مختصری درباره تازه ترین روش های تشخیص عناصر ترکیب کننده مرکب ها و مواد رنگی وجود دارد. و نیز در رم، انجمن مرکزی آسیب شناسی کتاب / l'Institut centrale per la patologia del libro تجربیات بسیاری در این زمینه دارد.

اهمیت بسیار دارد. اگر کسی که نسخه را بررسی می‌کند، آن را به طور منفرد^۱ در نظر آورد، از لحاظ نسخه‌شناسی، بیش از هر چیز، در معرض خطا و اشتباه بسیار بزرگ قرار گرفته است.^۲ بسیاری نسخه‌هایی که برای آنها حداقل در شرایط کنونی، نسخه بدل یافت نشده است. البته این نسخه‌ها الزاماً نسخه‌های «منحصربه‌فرد»، رونوشت‌های یکتا از یک متن، نیستند، بلکه نسخه‌های مکرر آثار بسیار مشهور، بیش از همه، مانند قرآن، هستند که بررسی ویژگی‌های آن به دلیل فقدان نسخه‌های بدل، دشوار می‌نماید. برای نمونه ملاحظات ژاک برک / Jacques Berque در مورد قرآن تونس کتابخانه ملی به شماره ۱۴.۲۴۶، محل ایراد هستند زیرا او این نسخه را به گونه‌ای منفرد، جدا از نسخه‌های بدل بررسی کرده است، و در حالی که این نسخه در میان گروه نسبتاً بزرگی از نسخه‌های خطی جای دارد.

شمار نسخه‌ها، به خط عربی، حقیقتاً بسیار است و بسیاری از آنها یا خوب معرفی نشده‌اند و یا اصلاً ناشناخته مانده‌اند. برای مثال، کشف مخزن نسخه‌های خطی قرآن صنعا که تحولی در شناخت ما از سده‌های نخست اسلام ایجاد کرد.^۳ بنابراین ضروری است کوششی وسیع برای شناخت واقعی میراث مکتوب عربی-اسلامی، در ابعاد متنوع آن انجام گیرد. دامنه نگرش ما به این موضوع در حال حاضر همچنان ناقص و وابسته به دانشی است که در حال شکل‌گیری است. ضعف کتاب حاضر نیز ناشی از این امر است و تدوین آن، تنها گامی مقدماتی، حساب می‌آید.

نسخه‌شناسی و کهن‌خط‌شناسی

در میان عناصری که در ساخت نسخه خطی دخیل هستند، خط، جایگاهی شایان توجه دارد. متخصصان نسخه‌های غربی، به طور سنتی، جایگاه خاصی برای پژوهش خط قائل‌اند: در واقع کهن‌خط‌شناسی که از جنبه تاریخی، بسیار قدیمی‌تر از

1. «The Koranic text: From revelation to compilation», dans G. Atiyeh éd., *The book in the Islamic world*, p. 25.

2. F. Déroche, «The Ottoman roots of a Tunisian calligrapher's tour de force», dans *Interactions in art* (Ankara, sous presse).

۳. کویت، ۱۹۸۵.

نسخه‌شناسی است به شکلی قابل توجه رشد کرد و توسعه یافت و بدین ترتیب به یک شعبه علمی مستقل مبدل شد.^۱ در زمینه نسخه‌های عربی - اسلامی دلایل مختلف سبب به تأخیر افتادن مطالعه جدی خطوط متداول و پیدایش تحلیل دقیق اشکال تحول خطوط شده است. بنابراین منطقی خواهد بود که علمی را که موضوع آن مطالعه این خطوط است در چهارچوب نسخه‌شناسی مورد توجه قرار دهیم، هرچند این سخن به هیچ وجه به این معنی نیست که خطوط نسخه‌های خطی را کاملاً جدا و متمایز از خطوط کتیبه‌ها یا پاپیروس‌های عربی تلقی کنیم.

تاریخچه کتاب‌های به خط عربی

جهت دیگری که نسخه‌شناسی باید به آن سمت هدایت شود فعلاً یک آرمان دور جلوه می‌کند: نسخه‌شناسی یک در کار گردآوری صبورانه داده‌هایی است که به کمک آنها می‌توان در آیند تاریخچه کتاب دست‌نویس به خط عربی را تدوین کرد، البته در آن صورت این تاریخچه بازتاب واقعی شرایط فکری، معنوی، اجتماعی، اقتصادی و حتی فنی‌ای خواهد بود که کتاب در آنها شکل گرفته است.

برخی از دانشمندان گاهی این رشته از دانش را به سمت هدف‌های دقیق‌تر جهت داده‌اند. رودولف زلهایم / Rudolf Sellheim کتاب مصالح لازم برای تدوین تاریخ ادبیات عربی / *Materialien, t. I, II* را به بررسی یادداشت‌های متعددی که در حواشی نسخه‌ها دیده می‌شوند داده است. به مطالعه تاریخ متون توجه خاص کرده است، یعنی به این ترتیب کوشیده است تا تحقیق نسخه‌شناسی را در خدمت بررسی تاریخ ادبیات قرار دهد. البته تاریخ ادبیات می‌تواند به نسخه‌شناس

۱. برای بحث در زمینه مواضع هر دو رشته ر.ک: J. Lemaire, *Introduction*, p. 3, 4, n. 5 et 6.

۲. متخصصان آلمانی زبان اصطلاح "Handschriftenkunde" (دانش دست‌نوشته‌ها) را به کار می‌برند که قدیمی‌تر و گستره معنایی آن وسیع‌تر از "codicologie" است، و همین نکته جهت‌گیری متفاوت در این زمینه را توجیه می‌کند. در فرانسه، انجمن تحقیقات و تاریخ متون / l'institut de Recherches et d'Histoire des textes با اهداف مشابه تأسیس شده است و در آنجا نسخه‌شناسی جزء اصلی تاریخ متون به حساب می‌آید.

کمک کند، به این معنی که مثلاً او را از وجود خانواده‌های نسخه‌های خطی یعنی نسخه‌هایی که از روی یک متن اصلی استنساخ شده‌اند مطلع سازد، متنی که گاه از اقصای نقاط بدان جا راه یافته است.

نسخه‌شناسی و فهرست‌نگاری

اهداف نسخه‌شناسی، آن را وارد علوم کمکی تاریخ نموده است. با این حال، نقش آن به گردآوری عناصری که به درک بهتر تاریخ یک دوره کمک می‌کنند محدود نمی‌شود. اکنون در پرتو شناخت هرچه دقیق‌تر شیوه‌هایی که در دوره‌های مختلف برای به وجود آوردن یک نسخه خطی به کار گرفته شده‌اند امکان سال‌یابی و حتی تعیین مکان کتابت، در نسخه‌های فاقد تاریخ و مکان کتابت - به تدریج، دقیق‌تر می‌شود.

اما پر واضح است، خدماتی که نسخه‌شناسی می‌تواند در اختیار کسانی قرار دهد که مبنای کارشان تحقیق در مورد نسخه‌های خطی است، قبل از هر چیز وابسته به انجام کار صبورانه در زمینه گردآوری دقیق داده‌ها، تحلیل موشکافانه و به کارگیری آنهاست. ما امیدواریم که بیشتر کسانی که در زمینه فهرست‌نگاری^۱ خصوصاً در زمینه توصیف نسخه‌ها به دست خواهند آمد ابزارهای لازم را برای تحقق این پیشرفت در اختیارمان بگذارند. کتاب «نمر مرهون کار و تحقیق شایان توجهی است که در طی یک ربع قرن مؤلفان فهرست‌های جدید به شایستگی انجام داده‌اند، و ما در اینجا مراتب سپاسگزاری خود را نسبت به ایشان ابراز می‌داریم.

این امور ساده اما ضروری، مستلزم به کارگیری ورگانی دقیق و قابل قبول است. به سعی و همت آقای دنیس موزرل^۲ / Denis Muzerelle (به زبان فرانسوی) در اختیار داریم که برای تعریف اصطلاحات فنی مورد استفاده به وفور از آنها استفاده کرده‌ایم. البته تنها زمانی که سخن از نام‌گذاری اجزاء مختلف نسخه است، بر استفاده از واژگان دقیق تأکید می‌نماییم. نسخه دارای یک «عطف» است

۱. ر.ک: فصل پایانی.

2. *Vocabulaire codicologique. Répertoire méthodique des termes français relatifs aux manuscrits* (Rubricæ, 1), Paris, 1985.

که در نسخه‌های به خط عربی، هنگامی که برای خواندن باز می‌شوند، در سمت راست قرار دارند. دوختی که جزوهای یک نسخه را به هم پیوند می‌دهد در همین قسمت قرار دارد. سه جانب دیگر آن «لبه‌ها هستند، و در مقابل عطف، در سمت چپ، «کناره/ لبه جلو» جای دارد. بخش بالای نسخه، که نسبت به نگاه خواننده، دورتر از جاهای دیگر آن است «سر/ بالا» نامیده می‌شود، و بخش پایین یا آن قسمت که از همه جای کتاب به خواننده نزدیک‌تر است «لبه پایین» خوانده می‌شود.

شیوه‌ها

کاربرد صحیح نسخه‌ها^۱ اصل و تصویربرداری

هرگونه بررسی و ملاحظه داخلی یا خارج یک کتاب باید با نهایت احتیاط انجام گیرد. کار کردن با نسخه اصل کتاب می‌دهد تا صورتی از عناصر قابل ملاحظه فراهم کنیم، قطع کتاب، ضخامت کاغذ، مساحت نوشته را اندازه بگیریم، جایی از کتاب را که لازم است در بررسی آنها ابزارهای فنی به کار بریم مشخص نماییم (ذره‌بین، پوشگر، چراغ، اشعه، بتاگرافی، نرم افزارهای آنالیز تصویر، ...). روشی که در نسخه به کار رفته شناسایی کنیم (انواع مرکب، کاغذ، رنگیزه) خواه با چشم، خواه به کمک ذره‌بین دوچشمی، و خواه از راه تجزیه و ترکیب فیزیکی و شیمیایی، نمونه‌گیری‌های ذره‌بینی،^۲ و بالاخره تعیین احتمالی تاریخ سند از راه بویی که از آن متصاعد می‌شود. زیرا می‌دانیم که پوستی که تازه دباغی شده باشد بویی خاص از خود متصاعد می‌کند.

از یک اثر تصویربرداری شده، حتی با کیفیت عالی، نمی‌توان هیچ دقیق بوم (پاپیروس، کاغذ یا پوست) را دریافت، فشردگی آن را اندازه گرفت، به کمک ماده شفافیت آن را بررسی و دانه روی چرم را مشخص کرد. از یک اثر

۱. به قلم آ. برتیه / A. Berthier.

۲. در پرتو تازه‌ترین روش‌ها امروزه دیگر گاهی ضرورت ندارد که هیچ‌گونه نمونه‌ای از نسخه‌ها گرفته شود. توضیح روش‌هایی که آسیبی به تمامیت نسخه نمی‌رسانند در فصل «ابزار و ...» این کتاب یافت می‌شود.

تصویربرداری شده، نمی‌توان ضخامت کاغذ را اندازه گرفت، وجود یا فقدان وصالی یا فصالی را دریافت، تراشیدگی‌ها و قطع نسخه، و شمارش جزوهای آن را ملاحظه کرد، کیفیت و ماهیت دوخت را باز شناخت، تشخیص مسطراندازی، مرکب، آسیب دیدگی یا پاک‌شدگی‌ها نیز بسیار دشوار است. بنابراین می‌توان گفت که توصیف کامل نسخه‌شناختی، جز براساس بررسی یک نسخه اصل ناممکن است. با این همه، تصویربرداری اسناد (عکس‌برداری، اسلاید، میکروفیلیم و میکروفیش، چاپ عکسی و اسکن تصویر) امکان دست‌کاری‌هایی را می‌دهد که انجام آنها بر روی نسخه اصل ممکن نیست. مشاهده تصاویر یک اثر، مرحله‌ای از کار گردآوری تصویرهای لازم برای زمان تجزیه و تحلیل است. اگر از قبل، با مراجعه به تصویر نسخه مشغول کرده باشیم چه چیزی را ببینیم یا چه قسمتی از آن را بررسی کنیم دست‌کاری در نسخه اصل کمتر یا آسان می‌شود.

تصویربرداری در نوعی است: یک دسته آثاری که از قبل تصویربرداری شده‌اند (کتاب‌ها و نسخه‌های خطی، آرشیوهای عکس، تصاویر دیجیتالی و انواع دیگر بانک‌های اطلاعاتی)؛ دیگر آثار تصویربرداری شده‌ای که محقق گرد می‌آورد، و در این صورت کارکرد آن دقیق، روشن و هدف‌دار است: طرح‌ها یا گره‌برداری‌ها (که امکان منطبق کردن داده‌ها را فراهم می‌کند)، فتوکپی کتاب‌ها یا نسخه‌ها از روی میکروفیلیم، بزرگ کردن تصاویر، تصاویر دیجیتالی.

روش‌های آزمایشگاهی در مطالعه نسخه‌های خطی^۱
متخصصان نسخه‌های خطی از مدتی پیش برای کمک به کارهای خود متوسل به فنون شیمیایی و فیزیک شده‌اند، چه در زمینه بازیابی خطوط محو شده، چه در مورد شناسایی جانوری که از چرم آن برای تهیه پوست استفاده شده، چه در امر تجزیه و تحلیل عناصر سازنده کاغذ یا شناسایی رنگیزه‌ها و مواد رنگی که کاتبان و مذهب‌بان به کار برده‌اند. در حال حاضر شیوه‌هایی که به کار برده می‌شوند به سرعت در حال تغییر و تحول هستند. این شیوه‌ها روز به روز دقیق‌تر می‌شوند و کاربرد آنها

آسان‌تر می‌شود هر چند که هنوز انجام همه کارها مقدور نیست. در این چند صفحه قصد ما تنها ارائه توضیحاتی درباره چشم‌اندازهایی از شیوه‌هایی است که در اختیارمان هستند. به منظور تکمیل این توضیحات به گزارش‌های چهار گردهمایی اشاره می‌کنیم که خواننده در آنها به اطلاعات بنیادی دست خواهد یافت. این گزارش‌ها به گونه‌ای آسان خواننده را با امکانات موجود آشنا می‌کنند،^۱ اما او را از مراجعه مستمر به انتشارات جدید و کسب نظر از شیمیدان‌ها و نزدیکان‌های صاحب‌نظر بی‌نیاز نمی‌کنند. در حقیقت، در این زمینه مثل زمینه‌های دیگر، روش‌ها و ابزارها به سرعت بسیار در حال تحول و تکامل هستند.

راه‌هایی برای قرائت خطوط محو شده

از قرن نوزدهم به بعد دانش‌هایی برای بازیابی خطوط تراشیده شده یا محو شده به کمک معرف‌های شیمیایی انجام گرفته است. در این میان مخصوصاً کاردینال آنجلو مای / Angelo Mai بسیار کوشید تا کمک این روش طرس‌ها / palimpseste (ورقی که نوشته آن را پاک می‌کردند و مجدداً می‌نوشتند) را رمزگشایی کند. البته نتایجی که او به دست آورد متأسفانه مأیوس‌کننده بود. این معنی که نوشته‌ها فقط به مدت چند لحظه کوتاه ظاهر می‌شدند و بعد برای همیشه از میان می‌رفتند و پوست هم بر اثر موادی که به کار برده می‌شدند به طور جبران‌ناپذیر آسیب می‌دید و در نتیجه هرگونه کوشش بعدی برای قرائت خطوط ناممکن می‌شد، لذا استفاده از آن روش‌ها متوقف شد. در عین حال باید خاطر نشان کرد که برخی از شیمیدان‌ها روش‌های تازه‌ای پیشنهاد می‌کنند و اطمینان خاطر می‌دهند که این روش‌ها بی‌خطر هستند. در حال حاضر قرائت متون در زیر اشعه فرابنفش ساده‌ترین و رایج‌ترین

1. *Les techniques de laboratoire dans l'étude des manuscrits*; L. Fossier et J. Irigoin éd., *Déchiffrer les écritures effacées*, Paris, CNRS, 1990; *Pigments et colorants de l'Antiquité et du Moyen Age. Teinture, peinture, enluminure, études historiques et physico-chimiques*, Paris, CNRS, 1990; M. Maniaci et P. F. Munafò éd., *Ancient and medieval book materials and techniques*. On trouvera aussi quelques références utiles dans l'ouvrage suivant: Linda L. Brownrigg éd., *Making the medieval book: techniques of production* (proceedings of the Fourth Conference of the Seminar in the History of the Book to 1500, Oxford, juillet 1992), Los Altos Hills, 1995.

روشی است که برای زنده کردن نوشته‌های تراشیده شده یا محو شده به کار می‌رود. می‌توان این کار را به صورت قرائت مستقیم زیر لامپ فرابنفش (وود/ Wood) انجام داد. اما عیب این شیوه این است که چشم را خسته می‌کند، حتی اگر عینک محافظ داشته باشیم. روش رایج‌تر این است که از قسمت‌هایی که می‌خواهیم قرائت کنیم کلیشه تهیه نماییم. در نتیجه هم دید انسان سالم می‌ماند و هم از مدت زمانی که سند در برابر اشعه فرابنفش قرار می‌گیرد به مقدار قابل ملاحظه کاسته می‌شود، زیرا به طوری که می‌دانیم این اشعه چندان بی‌خطر نیست. عکس‌های فلورسانس فرابنفش این امر را نیز دارند که می‌توان آنها را سر فرصت بررسی کرد و تحت آزمایش‌های «راف» قرار داد و به دلخواه بزرگ و کوچک کرد. بدین ترتیب می‌توان مزایای روش‌های مختلف را با هم درآمیخت.

یک روش جدیدتر «انعکاس‌نگاری فرابنفش» است که در زمانی که متن با مرکب زاج و مازو نوشته شده باشد نتایج بهتری به دست می‌دهد. در مورد مرکب دوده، یعنی مرکب‌هایی که در مشرق زمین غالباً مورد استفاده بوده‌اند، «انعکاس‌نگاری فروسرخ» نتایج خیلی بهتری می‌دهد، البته در صورتی که کار با دوربین ویدیکن/ Vidicon متصل به نمایشگر با فیلتر مناسب انجام شود.

نور فروسرخ یک امتیاز دیگر هم دارد. البته در آزمایشگاه‌های پزشکی قانونی کاملاً شناخته شده است؛ به کمک این روش خواندن متون «محو شده» یا پوشیده در زیر لایه‌ای از رنگ ممکن می‌شود. به این ترتیب در موارد لازم، می‌توان زیر یک تذهیب، دستورالعمل‌هایی را که خطاب به نقاش در مورد جرم نوشته شده بوده‌اند و اکنون با رنگ پوشیده شده‌اند، بازیابی کرد.

در دهه ۱۹۷۰ میلادی روش‌های تازه‌ای ابداع شدند که بازیابی متون محو شده را با تشدید تضاد رنگ ممکن می‌سازند. این روش‌ها، از طریق نورشناسی مبتنی بر تجزیه و تحلیل نورسنجی تصاویر یا تجزیه و تحلیل رقومی عمل می‌کنند. از آنجا که می‌توان این دو شیوه را نه بر روی اصل اسناد، بلکه بر روی کلیشه‌هایی که به کمک نور فرابنفش یا فروسرخ گرفته شده‌اند و امکان مرئی شدن تصویرهای گرفته شده را فراهم می‌آورند، به کار گرفت بسیار امیدبخش هستند. البته پیشرفت‌هایی که در این

زمینه به دست آمده‌اند هنوز نتیجه چندان درخشان‌ی در مطالعات نسخه‌شناختی به دست نداده‌اند زیرا که این کار مستلزم در اختیار داشتن ابزار خیلی دقیق‌تر و تکامل یافته‌تری است که نسبتاً گران تمام می‌شوند.

به کار بستن صحیح و دقیق این فنون مختلف گاهی نتایج بسیار درخشان می‌دهد، هر چند که نباید انتظار معجزه داشته باشیم، به این معنی که اگر یک متن کاملاً شسته یا تراشیده شده باشد به طوری که هیچ اثری از مرکب باقی نمانده باشد طبعاً نمی‌توان امیدوار بود که چیزی از آن خوانده شود. در مورد نشان مالکیت نسخه‌ها نیز همین‌گونه است زیرا مالکان بعدی، آنها را با تمام نیرو پاک کرده‌اند و در نتیجه محققان را از اطلاعات سودمند درباره تاریخچه آن نسخه محروم کرده‌اند. نکته دیگر این است که گاهی به نوشته‌هایی برمی‌خوریم که با قلم نوک تیز روی پوست رسم شده‌اند. برای این یادداشت‌ها معمولاً دشوار است. تصویرهایی که با نور مورب از آنها گرفته می‌شود کار قرائت آنها را تسهیل می‌کنند.

شناسایی رنگیزه‌ها و رنگ‌زاه

روش‌های آزمایشگاهی خدمات دیگری نیز ارائه می‌کنند. از حدود چهل سال پیش فنون تجزیه و ترکیب فیزیکی-شیمیایی رنگیزه‌ها و رنگ‌زاهای مورد استفاده در نسخه‌های خطی، پیشرفت‌های بسیاری داشته‌اند هم در زمینه کیفیت، دقت و وضوح نتایج به دست آمده، و هم در سهولت بسیار در انجام آزمایش‌ها و این امر البته در پرتو اصلاح و کوچک کردن برخی از دستگاه‌ها انجام گرفته است. زیرا اکنون می‌توان آنها را به آسانی به محل نگاهداری نسخه‌ها حمل کرد. در واقع جابه‌جا کردن نسخه‌ها و انتقال آنها به یک آزمایشگاه فیزیک مخاطره‌انگیز است، و لذا اگر قرار بر استفاده از ابزارهای ثابت باشد، معقول‌تر آن است نمونه‌برداری ذره‌بینی (میکروسکوپی) انجام دهیم.

فنون مختلف تجزیه و تحلیل ذره‌بینی نتایج مطلوبی به دست می‌دهند، حتی هنگامی که تنها نمونه‌های بسیار کوچک در اختیار داشته باشیم (اندازه‌های نمونه‌ها مخصوصاً بر اثر مشکلات ناشی از دست‌کاری‌ها محدود می‌شود). در میان

روش‌هایی که می‌توان به کار بست می‌توان به دو دسته از آنها اشاره کرد: یک دسته روش‌های تجزیه و تحلیل مقدماتی یا ابتدایی که رایج‌ترین آنها در حال حاضر بدون تردید «میکروسکوپی الکترونیک» متصل به اشعه ایکس با پراکنش نیروست که EDXS نامیده می‌شود.

دسته دیگر روش‌های مختلف تجزیه و تحلیل ساختاری (تجزیه و تحلیل عناصر ترکیب کننده) هستند مثل طیف‌سنجی جذب فرو سرخ، طیف‌سنجی فلورسانس فرابنفش مرئی، طیف‌سنجی انبوه، طیف‌سنجی رامان / Raman، روش‌هایی که در سال‌های اخیر به صورت ایزاری در مطالعه نمونه‌های بسیار کوچک درآمده‌اند و موجب ابداع فنون ذره‌سنجی جدیدی شده‌اند. از طرف دیگر روش‌های تجزیه و تحلیل نه‌ای ابداع شده‌اند (از راه فعال کردن نوترون یا پروتون)، روش‌های تجزیه و تحلیل مقدماتی که بسیار حساس هستند و می‌توان آنها را برای بازیابی و شناسایی آثار ترتیبی عناصر یک نمونه به کار گرفت.

این روش‌ها در مورد ابداع صالح به کار برده شده در نسخه، اطلاعات دقیق و سودمند به دست می‌دهند. در این حالت هیچ‌یک از این روش‌ها نمی‌تواند به تنهایی به همه پرسش‌های مطرح شده پاسخ بگوید، و غالباً اتفاق می‌افتد که یک نمونه ذره‌بینی تحت چند آزمایش مختلف پی در پی قرار می‌گیرد. بدین ترتیب نباید هنگام آزمایش از میان برود.

اکنون روشن شد که بررسی یک نمونه ذره‌بینی در صورتی که ممکن باشد، مستلزم وقت زیاد است و گاهی خیلی پرخرج می‌شود. از این نظر افزودن اقدامات و تهیه نمونه‌های مختلف برای انجام مقایسه‌های احتمالی، بسیار دشوار است. وجود ابزارهایی که به آسانی قابل حمل به محل نگاهداری نسخه‌ها باشند و امکان دهند که در همان جا اندازه‌گیری رنگ‌ها از طریق طیف‌سنجی انعکاسی انجام گیرد، بسیار مفیدتر و کاراتر خواهد بود. چنین دستگاهی را اخیراً برنار گینو / Bernard Guineau¹ در یکی از کارگاه‌های مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه / CNRS در شهر اورلئان /

1. B. Guineau, «Non-destructive analysis of organic pigments and dyes using Raman microprobe, microfluorometer or absorption microspectrometer», *Studies in conservation*, 34, 1989, p. 38-44.

Orléans ابداع کرده است. زمان لازم برای اندازه‌گیری به وسیله این روش بسیار کوتاه است، چندان که می‌توان آن را به دلخواه تکرار و تجدید کرد، به ویژه که هزینه آن هم چندان گران نمی‌شود.

در پرتو شمار فراوان اندازه‌گیری‌ها و ملاحظات که می‌توان بر روی یک نقاشی انجام داد می‌توان تخته رنگ مورد استفاده هنرمند را شناسایی و مشخص کرد. مقایسه نتایج اندازه‌گیری‌هایی که روی آثار مختلف منتسب به یک نقاش انجام گرفته‌اند، عنصر مهمی در تشخیص هویت آثار است، چرا که به این ترتیب تعیین صحت یا تناقض نتیجه‌گیری‌های منتج از تنها یک تجزیه و تحلیل سبک‌شناختی ممکن می‌شود. این نیز باید خواهد بود بررسی کنیم آیا دستورالعمل‌های موجود در برخی جنگ‌های دهه‌های مانی با نتایج تجزیه تحلیل‌های کنونی منطبق می‌شود.

تاریخ‌گذاری

از چندی پیش آزمایشگاه‌ها اقدام به انجام آزمایش‌هایی برای تعیین تاریخ پوست‌های قدیمی به کمک کربن ۱۴ کرده‌اند، این روش به امیدبخش است اما فقط در جایی ممکن است که عناصر لازم برای مقایسه به اندازه کافی وجود باشند. از طرف دیگر، به کار بستن این روش مستلزم نمونه‌برداری از یک سطح بسیار بزرگ است، هرچند که مقدار لازم برای تجزیه و تحلیل به حداقل کاهش یافته است (تا کمتر از یک سانتیمتر مربع در پاره‌ای از موارد)، بگذریم از اینکه برخی از آزمایش‌ها مستلزم بازبایی به ابزارهایی هستند که فعلاً تعدادشان بسیار اندک و هزینه آنها متأسفانه بسیار زیاد است.

صرف‌نظر از فنون مورد استفاده، یک سنجش منفرد، به خودی خود اهمیت چندانی ندارد و تعداد سنجش‌ها نیز نمی‌تواند موجب به دست آمدن اطلاعات قابل استفاده شود مگر اینکه مسئله با هماهنگی کامل میان شیمی - فیزیکدان و کهن‌خط‌شناس یا نسخه‌شناس به دقت مشخص و روشن شده باشد: شیمی - فیزیکدان به این نیاز دارد که بفهمد که از او چه توقعی دارند تا بتواند مناسب‌ترین روش‌ها را پیشنهاد کند، یا در غیر این صورت، محدوده امکانات کنونی را نشان دهد.